



نظم و یکپارچگی قرآن؛ نشانه تمدن‌ساز بودن آن برای بشریت

قرآن کریم نه تنها کتابی مضطرب نیست، بلکه کتابی تمدن‌ساز برای تمامی بشر است و مخاطب آن تنها اصحاب پیامبر(ص) نیست، بلکه تا انقراض عالم باید برای رهایی از مشکلات به قرآن پناه برد و از نظم و یکپارچگی آن برای جامعه‌ای منظم و یکپارچه الگو گرفت.

قرآن کریم نه تنها کتابی مضطرب نیست، بلکه کتابی تمدن‌ساز برای تمامی بشر است و مخاطب آن تنها اصحاب پیامبر(ص) نیست، بلکه تا انقراض عالم باید برای رهایی از مشکلات به قرآن پناه برد و از نظم و یکپارچگی آن برای جامعه‌ای منظم و یکپارچه الگو گرفت.

هرچند قرآن طی 23 سال بر پیامبر(ص) نازل شد ولی با این حال هیچ ناهماهنگی در آن یافت نمی‌شود و از ابتدا تا انتهای این کتاب آسمانی واجد نظم و نسق خاصی است، همان‌گونه که در آیه شریفه می‌فرماید: **وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا**؛ آیا در [معانی] قرآن نمی‌اندیشند اگر از جانب غیر خدا بود قطعا در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند» (نسا/82). اگر ما در ابتدای امر بخواهیم در قرآن نظری بیافکنیم قرآن به طور کامل يك مجموعه‌ای است که از ابتدا تا به انتها دارای نظم است به‌طوری که سوره فاتحه‌الکتاب به عنوان يك فهرست اجمالی از کل قرآن و سوره بقره به عنوان فهرستی تفصیلی به حساب می‌آید.

نظم آیات قرآن

اگر این چنین نظم و نسقی در قرآن راه نداشت و به تعبیر برخی از مستشرقان قرآن کتابی مضطرب بود نمی‌توانست يك منشور هدایت واقعی برای ساختن يك تمدن باشد. این نظم و انسجام را ما در همه جای این کتاب آسمانی شاهد هستیم؛ به عنوان مثال مسئله تعدد زوجات زمانی مطرح می‌شود که آیات جهاد نازل شده و مجاهدین بسیاری شهید شده‌اند و زنان بسیاری بدون سرپرست و همسر باقی مانده‌اند. در این زمان است که آیه تعدد زوجات البته با ضوابطی خاص نازل می‌شود و این نمونه‌ای از منسجم بودن قرآن است.

در شکل ظاهری قرآن کریم نیز همین نظم و انسجام حاکم است به‌طوری‌که در آیات مکی حرفی از احکام و شرایع نیست و حتی آیات کوتاه و کوبنده هستند، ولی در آیات مدنی قرآن آیات معمولاً طولانی و به حالات انبیاء پرداخته‌است و احکام شرعی را بازگو می‌کند. این نظم و مدیریت در نزول آیات بیانگر این است که قرآن مطابق طبع بشر نازل شده است، چون در ایام حضور پیامبر(ص) در مکه شرایط مناسب برای مطول گویی نبوده و باید کلمات موجز بیان می‌شد و ذهن مسلمانان را با اولیات دین یعنی همان اعتقاد به توحید و نفی شرك آشنا و مانوس کند و بعد از آن به سایر مسائل بپردازد.

ما نیز می‌توانیم از انسجام قرآن یعنی اینکه بدانیم و دنیا بگوئیم قرآن کریم نه تنها کتابی مضطرب نیست بلکه کتابی است تمدن ساز برای تمامی بشر و مخاطب آن تنها اصحاب پیامبر(ص) نیست بلکه تا انقراض عالم باید برای رهایی از مشکلات به قرآن پناه برد و از نظم و یکپارچگی آن برای جامعه‌ای منظم و یکپارچه الگو گرفت.

به قول امام علی (ع): **ان القرآن ظاهره انیق و باطنه عمیق لا تفنی عجائبه و لا تنقضی غرائبہ و لا تكشف الظلمات الا به**؛ به راستی که قرآن ظاهرش زیبا و نیکو و باطن آن عمیق است که از بین نمی‌رود، شگفتی‌های آن زائل نشده و چیزهای نامأنوس آن تمام نمی‌شود و تاریکی‌های جهالت گشوده نمی‌شود مگر با قرآن» (نهج‌البلاغه/خطبه 83) بنا به فرموده امام علی(ع) باید به قرآن پناه برد و در تاریکی‌ها با چراغ هدایت او قدم برداشت.

به فرموده پیامبر اعظم(ص):« إِذَا التَّبَسَّتَ عَلَيْكَ الْفِتْنُ، كَقِطْعِ الثَّلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكَم بِالْقُرْآنِ؛ هنگامی که فتنه ها، هم چون پاره های شب تاریک، شما را در خود پیچید، برشماست که به قرآن تمسک جوید»(اصول کافی/ج2/459). اگر قرآن دارای چنین نظم نبود و انسجامی در آن دیده نمی شد هیچ گاه پیامبر(ص) که صادق مصدق است چنین نمی فرمودند. باید توجه داشت که گفتار پیامبر(ص) نیز همانند قرآن کریم برای همه اعصار و نسل ها است و ما در تمامی اعصار باید به قرآن کریم تمسک جویم.

تحقق جامع قرآنی با عمل به آن ایجاد می شود

عمل به قرآن زمانی محقق می شود که ما این منشور را برای ساختن خود و جامعه مان به کار بندیم و جامعه و تمدن خود را قرآنی کنیم. به قول حکیم سنایی «عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازد/ که دارالملک ایمان را مجرد بیند از غوغا»(سنایی/دیوان اشعار/قصیده7). پس باید به عمق قرآن که همان نظم انسجام قرآن کریم و همه جانبه بودن قرآن است پی بریم و آن را سرلوحه کار خود در تمامی اعصار قرار دهیم و اگرچنین نکنیم شامل این بیت خواهیم بود «عجب نبود گر از قرآن نصیبت نیست جز نقشی/ که از خورشید جز گرمی نیابد چشم نابینا»(همان).

اگر ما قرآن کریم را به صورت یک کتاب عادی ببینیم و در کنار زندگی ما باشد و نه در عمق و متن زندگی ما طبیعی است که به غیر از نقش قرآن چیزی نصیبتان نمی شود. پیامبر گرامی اسلام(ص) نیز با نهادینه کردن قرآن کریم در جان مسلمین صدر اسلام توانست جامعه متوحش جاهلی را مبدل به جامعه ای متمدن کند که ما در یکی از جنگ های اسلامی می بینیم زمان جمع کردن خیمه یکی از سربازان سپاه اسلام متوجه می شود که پرده ای بر روی خیمه لانه کرده و تخم گذاشته است. این سرباز خیمه را جمع نمی کند و نمی رود تا جوجه های این پرده به دنیا بیایند و بعد از آن خیمه را جمع می کند این یک نمونه از پیشرفت های تمدن آغازین اسلام پس از دوران جاهلیت است.

قرآن کریم نه تنها کتابی مضطرب نیست، بلکه کتابی است تمدن ساز برای تمامی بشر و مخاطب آن تنها اصحاب پیامبر(ص) نیست، بلکه تا انقراض عالم باید برای رهایی از مشکلات به قرآن پناه برد و از نظم و یکپارچگی آن برای جامعه ای منظم و یکپارچه الگو گرفت.

قرآن کریم راه را برای تعالی بشر باز نموده است و با نشان دادن سرگذشت امم پیشین هشدار داده است که اگر قرآن سرلوحه کار و زندگی ما نباشد، به صورت تدریجی به گمراهی می رویم و اگر تمدن ما تمدن قرآنی نباشد، باید منتظر اضمحلال باشیم. این پیام را خود قرآن به بشریت داده است؛ آنجا که می فرماید:« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، هر کس از شما از دین خود برگردد به زودی خدا گروهی [دیگر] را می آورد که آنان را دوست می دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند [اینان] با مؤمنان فروتن [و] بر کافران سرفرازند»(مائده/54).

براساس این موارد برای از بین نرفتن و مضمحل نشدن خودمان و نه دین مبین اسلام، باید این فرامین الهی را نصب العین خود قرار دهیم و قرآن را با تمام ظرفیت های آن به کار بندیم تا اینکه به فلاح و سداد نزدیک شویم که فرمودند:«...إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ؛ که فرجام [نیک] از آن تقواییان است»(هود/49).

سجاد رضائی